

کتاب ایوب

جلسه ۲۰: گفتمان الیهو، ایوب ۳۲-۳۷

نوشته جان والتون

این دکتر جان والتون و آموزه‌های او در مورد کتاب ایوب است. این جلسه ۲۰، گفتمان الیهو، ایوب ۳۲-۳۷ است.

مقدمه‌ای بر سخنرانی الیهو (ایوب ۳۲-۳۷) [۲:۰۲-۰۰:۲۴]

حالا به الیهو تازه وارد می‌رسیم. مفسران کتاب او را به عنوان یک مزاحم در نظر گرفته‌اند، کسی که تقریباً در جریان کتاب جا می‌گیرد، یا اصلاً جایی در آن دارد. اما من نظر متفاوتی در این مورد دارم. مطمئناً می‌توان او را به عنوان یک مزاحم در نظر گرفت، اما من معتقدم که نقش او در کتاب بسیار مهم است و نقش مهمی در منطق کتاب ایفا می‌کند.

حتی اسمش هم جالب است. اسم بقیه‌ی دوستان واقعاً حس اسم‌های عبری را نمی‌دهد. اما الیهو واضحاً همینطور «است» و این اسم معنی‌دار است -- «او خدای من است».

یادتان هست وقتی درباره مثلث صحبت کردیم؟ گفتیم الیهو قلعه خود را در گوشه خدا می‌سازد و از خدا دفاع می‌کند. و بنابراین، از این نظر، الیهو واقعاً کار تئودیه را انجام می‌دهد و از عدالت خدا دفاع می‌کند. همانطور که قبلاً اشاره کردم، الیهو از هر گوینده انسانی دیگری در کتاب درست‌تر می‌گوید، اما هنوز هم درست نمی‌گوید. او هنوز به آن چیزی که کتاب می‌خواهد در نهایت ما فکر کنیم، نرسیده است. او به نوعی خود را به عنوان یک جوان معرفی می‌کند، کسی که با سکوت و مشاهده، به همسالان خردمند و فرزانه خود احترام می‌گذاشته است. اما اکنون او آنقدر پر از کلمات شده است که نمی‌تواند آنها را مهار کند.

نقش الیهو: افشای خودپرستی ایوب [۲:۴۳-۰۰:۰۲]

و بنابراین، بیایید نگاهی به نقش گفتمان الیهو در آیات ۳۲ تا ۳۷ بیندازیم. الیهو تنها کسی در کتاب است که اتهام خاصی را در رابطه با نقض خاصی در ظاهر درست ایوب مطرح می‌کند. بنابراین، در حالی که دوستان فقط می‌توانند مواردی را مطرح کنند که ایوب ممکن است مرتکب اشتباه شده باشد، ایوب البته در فصل قبل سوگند بی‌گناهی خود را یاد کرده است. الیهو اتهام خاصی برای مطرح کردن دارد و آن مربوط به خودبرتربینی ایوب است.

سوگند بی‌گناهی الیهو و ایوب [۳:۵۳-۰۲:۴۳]

ضمناً، قبل از اینکه خیلی وارد این بحث شویم، باید توجه داشته باشیم که پس از سوگند بی‌گناهی ایوب، تعلیق داستان همچنان پابرجاست. ایوب با سوگند بی‌گناهی خود، خدا را به چالش کشیده است. بنابراین، رویارویی با خدا

به یک درگیری بسیار شدید منجر می‌شود و ما در لبه‌ی تعلیق قرار داریم، زیرا راوی شخصیت دیگری را معرفی می‌کند. این واقعاً یک استراتژی جذاب در کتاب است که در حالی که نفس خود را در سینه حبس کرده‌ایم و منتظر واکنش خداوند هستیم، سخنان پراکنده‌ی الیهو را می‌شنویم. و می‌گوییم، چه اتفاقی دارد می‌افتد؟ آیا این یک تبلیغ است؟ می‌دانید چه اتفاقی دارد می‌افتد. به نظر می‌رسد که مخرب است. باز هم، برخی از آنها احساس کردند که این واقعاً مخرب است، اما من فکر می‌کنم این بخشی از استراتژی تدوین‌کننده‌ی کتاب است. او می‌خواهد کمی در مورد اینکه آیا خدا به ایوب پاسخ خواهد داد یا نه، به شما فرصت دهد. و بنابراین، در این میان، الیهو حرف خود را می‌زند.

شباهت‌های الیهو با رقیب [۴:۴۷-۳:۵۳]

نقش الیهو در بخش دوم کتاب، از برخی جهات، با نقش چالشگر در بخش اول کتاب موازی است، زیرا او راه دیگری برای نگرستن به پارسایی ایوب پیشنهاد می‌دهد. چالشگر اظهار داشت که پارسایی ایوب را می‌توان صرفاً جستجوی مزایای رفاه دانست. الیهو قصد ندارد در این مسیر گام بردارد. او قصد دارد پیشنهاد دهد که راه جایگزین برای نگرستن به پارسایی ایوب، خود-پارسایی است. چالشگر انگیزه‌های ایوب را زیر سوال برد، الیهو در واقع پارسایی ایوب را زیر سوال می‌برد. او تنها کسی در کتاب است که این کار را انجام می‌دهد، از جمله خدا.

استفاده مجدد الیهو از اصل انتقام به عنوان یک اقدام پیشگیرانه [۴:۴۷-۴:۱۱]

حتی در حالی که الیهو از خدا در برابر اتهام شر دفاع می‌کند، می‌توانید این را چندین بار در فصل ۳۴ بیابید. او در آیات ۳۶:۳ و ۳۷:۲۳ از عدالت خدا دفاع می‌کند. با این حال، او الگوی تقریبی اصل انتقام را می‌پذیرد، یعنی فصل‌های ۳۴:۱۱ و ۳۶:۱۱ و ۱۲. بنابراین، خدا به شر متهم نمی‌شود. خدا به عنوان مجری عدالت دیده می‌شود. با این حال، اصل انتقام درست است. حال، به یاد دارید که وقتی در مورد مثلث صحبت کردیم، در مورد اینکه الیهو چگونه این کار را انجام داد صحبت کردیم؟ او اصل انتقام را دوباره تعریف می‌کند، نه فقط به عنوان درمانی برای کارهایی که در گذشته انجام شده است، بلکه به عنوان پیشگیرانه برای پیش‌بینی چیزهایی که در آینده رخ می‌دهند. او با چالشگر در مورد انگیزه‌های ایوب موافق است، که در آیات ۳۵:۳ آمده است، و نکته اصلی او این است که ایوب را به گناه خودپرستی متهم می‌کند. او این گناه را دلیل رنج ایوب می‌داند. می‌توانید این را در آیات ۳۴، ۳۵ تا ۳۷ بیابید.

الیهو ایوب را به خودپسندی متهم می‌کند [۸:۰۴-۶:۱۱]

ادعای او این است که خودبرتربینی ایوب در دفاع از خود به اندازه کافی جدی است که اقدام تنبیهی علیه او را توجیه کند. نسخه الیهو قضاوتی است که ممکن است با توهین همراه باشد زیرا می‌تواند هدفش آشکار کردن رفتار

توهین‌آمیز باشد. بنابراین، از این نظر، تقریباً مانند این است که رنج ایوب او را طعمه قرار می‌دهد تا آنچه را که واقعاً در پشت صحنه می‌گذرد آشکار کند. رنج برای آشکار کردن مشکل ضروری بود؛ تأکید الیهو بر عدالت است، نه فقط همزیستی بزرگ، اگرچه او این سوال را مطرح می‌کند که آیا خدا به عدالت انسان نیاز دارد یا خیر. شاید این حتی آنقدرها هم مهم نباشد.

او آشکارا در محکوم کردن نگرش خودپسندانه ایوب حق دارد. ما می‌توانیم این را در سخنان ایوب و تمایل ایوب به دفاع از خود به قیمت خدا ببینیم. این یک انتقاد مشروع از ایوب و تفکر اوست. الیهو این چیزها را آشکار می‌کند.

اما الیهو در مورد انگیزه‌های ایوب اشتباه می‌کند؛ الیهو از نگرش همزیستی بزرگ بیزار است و معتقد است که ایوب هنوز آرزوی منفعت را در سر می‌پروراند. ایوب به طور کامل نشان داده است که رفاه به هر قیمتی انگیزه اصلی زندگی او نیست. بنابراین، از این نظر، الیهو در مورد ایوب اشتباه می‌کند.

دفاع الیهو از عدالت خدا [8:41-8:04]

الیهو در مورد خدا درست می‌گوید وقتی اصرار دارد که خدا در قبال ما پاسخگو نیست و عدالت او به همراه سایر جنبه‌های شخصیتش غیرقابل انکار است. ما نمی‌توانیم خدا را زیر سوال ببریم؛ ما نمی‌توانیم کار بهتری نسبت به خدا انجام دهیم. ما جرات نداریم حکومت او را زیر سوال ببریم. خدا مشروط نیست و ما نباید فکر کنیم که اعمال او تابع ارزیابی یا اصلاح ما هستند. در این موارد، الیهو درست می‌گوید. و باز هم، او دیدگاه والایی از خدا ارائه می‌دهد که بسیار مناسب است.

تئودیه ناقص الیهو [۱۰:۰۹-۸:۴۱]

در عین حال، او در مورد ماهیت سیاست‌های خدا اشتباه می‌کند. او همچنان یک تئودیه ناکافی دارد و در حال تلاش برای رسیدن به تئودیه است. به نظر نمی‌رسد که متوجه باشد که با تلاش برای رسیدن به تئودیه، در دام همان خطایی می‌افتد که ایوب را به آن متهم می‌کند. یعنی الیهو توانایی خود را در ایجاد انسجام بر اساس عدالت، بیش از حد ارزیابی می‌کند. الیهو هنوز روی مثلث کار می‌کند. او سعی می‌کند آن را به نفع خود تغییر شکل دهد، اما هنوز هم روی مثلث کار می‌کند. او هنوز فکر می‌کند عدالت پایه و اساس سیستم است. او هنوز درگیر تئودیه است. او هنوز فکر می‌کند انسجام از عدالت ناشی می‌شود و هنوز هم فکر می‌کند که می‌تواند یک معادله ساده را حل کند. این معادله کمی پیچیده‌تر از معادله‌ای است که ایوب و دوستانش استفاده می‌کردند زیرا اصل مجازات را دوباره تعریف می‌کند، اما هنوز این ایده را بیان می‌کند که یک معادله عدالت ساده می‌تواند انسجام ایجاد کند. در این مورد، او اشتباه می‌کند. و قرار است سخنرانی‌های یهوه دیدگاه ما را در مورد این چیزها تنظیم کند.

این دکتر جان والتون و آموزه‌های او در مورد کتاب ایوب است. این جلسه 20، سخنرانی الیهو، ایوب 32-37 است. [10:09]